



نگاهی به کار یخفروش های انتهایی «محمدآباد»
که برخی از آن ها بدون مجوز بهداشتی فعالیت می کنند

یخ های قدیم گربه هم داشت!

وبا چنگک قالبی را جلوی می کشد. قالب درست جلوی پاهایش و همان جایی که با کفش وارد شده، می ایستد. سیگار را کنار لب جاگیر می کند و دودستی قالب را برمی دارد و تحویل مشتری می دهد. پولش را که می گیرد، تکه های باقی مانده یخ را در کف یخچال که هنوز جای کفش روی آن دیده می شود، می سراند و در را می بندد.

در ورودی خانه است. خبری از مجوز و مالکش نیست. سرافش را که از سوپرمارکت نبش حیاط می گیریم، می گوید «صاحب اصلی اش نیست اما اگر یخ می خواهید در خدمتتان هستم». این یخفروشی هم مثل اولی توسط صاحب سوپرمارکت اداره می شود.

یخفروش سوم و آب های جمع شده جلوی مغازه

سومین یخفروشی آن طرف بوستان انتهایی محمدآباد قرار دارد. درست چسبیده به میوه فروشی. خلاف یخفروشی های قبلی، مالکش روی صندلی در نزدیکی آن، روبه سوی آفتاب نشسته است. پیرمردی آفتاب سوخته و سیگار به دست. بیشتر از یخفروش های اول و دوم مشتری دارد که آب های جمع شده جلوی یخچالش گویای همین امر است. جلوی یخچالش را با جعبه های رنگی نوشابه تزئین کرده است. جعبه هایی که روی هم چیده شده، تخته چوب ضخیمی رویشان قرار گرفته و قالب یخ بزرگی تاجشان شده است. قالبی در حال آب شدن.

به فاصله ۱۰ تا ۱۵ دقیقه خودرویی جلوی یخفروشی پیرمرد می زند. پیرمرد هم با دستی که سیگار ندارد، زبانه های پرسودای در یخچال را باز می کند. پرده آبی را کنار می زند

یخفروش اول و جعبه های نوشابه

اولین یخفروشی جایی است چسبیده به سوپرمارکتی نبش بسیج ۱۵. در یخچال بسته و چند جعبه رنگارنگ نوشابه جلوی آن قرار دارد. جعبه هایی که گویا یخ را روی آن قرار می گیرند تا تکه تکه شده و حمل شوند. این تنها یخچالی است در انتهایی محمدآباد که مالکش، پروانه کسبش را به عنوان مجوز چاپ کرده و با چسب بالای در یخچال چسبانده است. یخچال را سوپرمارکت کناری اداره می کند که از زمین خاکی و خشک جلوی در آن مشخص است از صبح تا ساعت ۸ و نیم چندان کاسب نبوده است.

یخفروش دوم و سرویس بهداشتی

دومین یخفروشی به فاصله ۵۰ متر از اولی قرار دارد. درواقع کل این یخفروشی یخچال بزرگی است که درست جلوی پله های حیاط و کنار سرویس بهداشتی جانمایی شده است. آن طرف یخچال خودرویی پارک و کمی عقب تر هم



شوشتری: صبح یکی از روزهای گرم ماه سال یعنی مرداد عزممان را جزم می کنیم تا سری به یخفروش های بزرگراه بسیج بزنیم. جایی که بارها تابلوهای آبی شان را هنگام عبور از این بزرگراه دیده ایم و حتی ادعای شهرداری مبنی بر کار غیربهداشتی و بدون مجوز آن ها را هم شنیده ایم.

پایانی ترین نقطه خیابان محمدآباد، همان جایی است که سه تابلوی بزرگ آبی رنگ با خط درشت و سفید «یخ» به فاصله صدمتر از یکدیگر خودنمایی می کنند. هیچ صدایی جز ماشین های عبوری بزرگراه و سرخوردن آهن روی یکدیگر (بازشدن در یخچال ها) نمی آید. پیرمردی با موهای سفید، صورتی آفتاب سوخته و سیگار به دست جلوی یکی از همین تابلوهای آبی ایستاده است. یکی از همین یخفروش هاست که به شکل شبانه روزی کار می کند.

کمی آن طرف تر تابلوی آبی دیگری درست با مشخصات تابلوی اول دیده می شود اما نه بر سر در مغازه حاشیه خیابان بلکه بر سر در حیاطی که دو سه پله ای در زمین بیشتر فرورفته. در باز است و کسی هم دور و بر یخچال یخ داخل حیاط مسکونی دیده نمی شود. درست به فاصله کمتر از ۵۰ متر از همین محوطه تابلوی بزرگ آبی دیگری کنار سوپرمارکت بالا رفته، با این تفاوت که کنار آن کاغذ سیاه و سفید با عکس مردی حدود ۳۵ ساله هم دیده می شود. کاغذی که نشان از پروانه کسب مالک برای عرضه نوشابه و یخ دارد.

خیابان محمدآباد سر صبح خلوت است اما جلوی این یخفروشی ها شلوغ. به فاصله ۵ تا ۱۰ دقیقه خودرویی روی ترمز می زند، قالبی یخ می خرد و می رود. در حقیقت این موارد تمام آن چیزی است که در ظاهر این یخفروشی ها دیده می شود. اما آنچه که شهرآرامحله را به محل این یخفروشی ها کشانده پیامک های مردمی مبنی بر فعالیت غیربهداشتی آن هاست. مهمی که یخفروشان آن را قبول نداشته و تأکید دارند که تاکنون نه بهداشت به آن ها گیر داده و نه مردم محلی گلایه ای کرده اند.

